

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی روایات بحث

در شرط هفتم عناوین را روشن کردیم و گفتیم از میان آنها تنها باید دو عنوان را بررسی کنیم: الف- آنچه قدماء گفتند: «من كان سفره أكثر من حضره» ب- آنچه متأخرین بیان کردند: «من كان شغله السفر». باید روایات مسئله را بررسی کنیم تا ببینیم از روایات چه استفاده‌ای می‌شود.

عنوان باب از این قرار است: «بَابُ وَجُوبِ الْإِتِمَامِ عَلَى الْمُكَارِي وَالْجَمَالِ وَالْمَلَّاحِ وَالْبَرِيدِ وَالرَّاعِي وَالْجَابِيِ وَالتَّاجِرِ وَالْبُدَوِيِّ مَعَ عَدَمِ الْإِقَامَةِ».^[1] در مورد این شرط یعنی «مَعَ عَدَمِ الْإِقَامَةِ» بعداً بحث می‌کنیم که تمام بودن نماز این افراد در صورتی است که اقامه عشرة ایام نداشته باشند.

روایت اول

سند حدیث: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ (کلینی) عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (علوی که امامی و ثقة است) عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع». حدیث از لحاظ سندی معتبر است.

متن حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمود «الْمُكَارِي وَالْجَمَالُ الَّذِي يَخْتَلِفُ وَ لَيْسَ لَهُ مُقَامٌ - يُتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ».^[2] نظیر این روایت، روایت دهم این باب است.^[3]

بررسی دلالت حدیث

«الذی یختلف» ای لانه یختلف یعنی مکاری و جمالی که رفت و آمد می‌کنند. البته باید روی کلمه یختلف بحث کنیم که مراد از آن یروح و یرجع است، یا این‌که سفر طولانی را هم شامل می‌شود.

«و لیس له مقام»، انصراف به اقامه شرعیه دارد؛ یعنی اگر مکاری ده روز در شهرش می‌ماند، نمازش در اولین سفر قصر است، ولی اگر در شهرش یا جای دیگر اقامه عشرة ایام ندارد نمازش تمام است. پس معنای لغوی آن مراد نیست یعنی بگوئیم کسی یک یا دو روز بماند که صدق مقام می‌کند؛ لذا در برخی روایات به عشرة ایام تصریح شده است.

پس معنای روایت این شد، علت این‌که مکاری و جمال باید نماز را تمام بخوانند و روزه بگیرند این است که لانه یختلف و لیس

روایت دوم

سند حدیث: «وَعَنْهُ (محمد بن یعقوب) عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ» در سند این روایت سه سلسله سند ذکر شده که همگی معتبر هستند.

متن حدیث: «أَرْبَعَةٌ قَدْ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ- فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ حَضَرَ- الْمُكَارِي وَ الْكَرِيُّ وَ الرَّاعِي وَ الْأَشْتَقَانُ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ» چهار گروه هستند که چه در سفر و چه در حضر نماز تمام است.

بررسی دلالت حدیث

این حدیث مهم‌ترین دلیل متأخرین برای تفکیک بین عناوین در بحث است؛ لذا در این حدیث باید به چند بحث پردازیم:

1- مرجع ضمیر در «لأنه» چیست؟ دو احتمال وجود دارد: الف- ضمیر به سفر برمی‌گردد پس معنای روایت چنین می‌شود: «اربعة قد يجب عليهم التمام في سفر كانوا أو حضر... لأن السفر عملهم.» به نظر ما این احتمال بعید است چون وقتی در روایت می‌گوید «اربعة قد يجب عليكم التمام في سفر كانوا و الحضر» مطلب تمام می‌شود که در ادامه هم می‌گوید «المكاري و الكري و الراعي و الاشتقان لأنه علمهم».

ب- ضمیر به کل واحد من هذه العناوين یعنی مکاری، کری، راعی، اشتقان برمی‌گردد؛ یعنی این کارها، عمل اینهاست.

2- مراد از عمل چیست؟ دو احتمال وجود دارد: الف- مراد از عمل، شغل و حرفه است: اشکال این است که هیچ کتاب لغتی، عمل را به شغل متعارف معنا نکرده است ب- مراد از عمل، فعل و کاری است که فرد انجام می‌دهد کما این‌که در لغت چنین معنا کرده‌اند. به قول مرحوم والد ما «لأنه عملهم یعنی رویتهم و فعلهم؛ روشن است، کاری که انسان انجام می‌دهد اعم از این است که شغلش هم باشد یا نباشد؛ چون شغل راهی برای ارتزاق و وسیله درآمد انسان است.

به بیان دیگر در عرف اگر کسی با چیزی ارتباط داشته باشد، مثلاً کسی اهل مطالعه زیاد یا خواندن رمان یا شعر است، می‌گوئیم کارش این است. یا مثلاً در مورد روحانی کاروان‌هایی که مقیدند هر سال به حج مشرف شوند، می‌گوئیم کارش این است که هر سال روحانی کاروان است نه به این معنا که شغلش این است چون شغلش طلبگی است و درس می‌خواند. یا مثلاً طلبگی حرفه است ولی اشکال کردن نسبت به کسی در درس زیاد اشکال می‌کند عمل است. در هر صورت اگر انسان به فعلی مداومت و استمرار داشته باشد عرف می‌گوید این فعل عمل این است.

پس در این روایت متأخرین اولاً ضمیر را به سفر برمی‌گردانند و می‌گویند «لأنه یعنی لأن السفر و ثانياً معنای عملهم را شغلهم می‌گیرند و در ادامه می‌گویند اگر سفر، شغل کسی شد نمازش تمام است. در حالی که ما باشیم و این روایت، به نظر ما احتمال قوی‌تر این است که «لأنه یعنی کل واحد منهم، مکاری، کری، راعی و اشتقان شغلشان این است؛ در نتیجه از تعلیل موجود در روایت استفاده نمی‌شود که «إذا كان السفر شغلاً»^[4].

3- در استنباط، هر روایتی را مستقل از روایت دیگر باید بررسی کرد، اما در جمع‌بندی نهایی باید همه را در نظر گرفت. در

روایت اول گفتیم مراد از قید «الذی یختلف» چیست. به نظر ما از این قید نمی‌توان چشم‌پوشی کرد و این هم تعلیل است به این معنا که رفت و آمد می‌کنند و دلالت بر کثیر السفر دارد و عبارة اخراى آن است؛ نه این‌که الذی یختلف یعنی لأن السفر شغله.

لذا این‌که متأخرین می‌گویند عنوان مختار قدما یعنی سفره اکثر من حضره یا کثیر السفر، لا عین و لا اثر منه فی الروایات حرف درستی نیست. کما این‌که اختلاف امتی رحمة هم به این معناست که رفت و آمد زیاد و زیاد امت من با یکدیگر رحمت است نه این‌که اختلاف به معنای دعوا باشد؛ یا مثلاً «اِخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»^[5] دال بر همین معنا است.

در جمع بین یختلف و لأنه عملهم هم یا باید یختلف را قرینه برای لأنه عملهم قرینه برای یختلف قرار بدهیم. به نظر ما روایت ظهور در این دارد که یختلف قرینه است چون این لفظ صریح در کثرت سفر است؛ در نتیجه لأنه عملهم أى لأنه یختلفون یعنی رفت و آمد می‌کنند، پس این‌که بگوئیم شغل این افراد باید سفر باشد، از روایت استفاده نمی‌شود. مثلاً صدق عنوان مکاری به کسی که جزء اعیان است و صد شتر دارد اما خودش همراهشان نمی‌رود صحیح است ولی این مکاری لا یختلف.

به نظر ما تعبیر قدما خیلی دقیق‌تر از تعبیر متأخرین است. مسئله شغل کما این‌که مرحوم آقای بروجردی (قدس سره) هم به آن اشاره می‌کنند دخلی در اتمام یا قصر نماز ندارد. دخالت سفر در بحث مثل این است که بگوئید کسی که به سفر می‌رود اگر از قم به تهران می‌رود نمازش تمام است اما اگر از قم به کاشان رفت تمام نیست در حالی‌که هر دوی آن طی طریق ما فوق مسافت است و فرقی بینشان وجود ندارد؛ به نظر ما شغل از مواردی است که انسان یقین دارد که خصوصیتی ندارد.

ضمن این‌که تعلیل وارد شده در روایات دو جور است: الف- تعلیل تعبدی: خیلی کم داریم ب- تعلیل ارتکازی: غالباً این‌گونه تعلیل در روایات ذکر شده است. یک تعلیل این است که امام (علیه السلام) می‌گوید «لأنه عملهم» در حالی‌که زراره از امام استدلال و تعلیل نخواست. تعلیلی دیگر این است که امام صادق (علیه السلام) فرمود «الذی یختلف». به نظر ما این تعلیل با ارتکاز مردم در مورد کسی که به سفر می‌رود سازگاری دارد. یا تعلیل دیگر در مسئله قصر نماز یا عدم وجوب روزه در سفر که شارع می‌فرماید «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^[6] هر چند شاید برای فردی نماز تمام خواندن و روزه گرفتن در سفر مشقّت نداشته ولی باز هم حکم در مورد ثابت است لذا این تعلیل هم ارتکازی است.

به نظر ما دخالت دادن شغل در بحث (یعنی بگوئیم مثلاً کسی هزار کیلومتر می‌رود اگر این سفر شغلش است نماز تمام است اما اگر شغلش نیست نماز شکسته است)، با ارتکاز سازگاری ندارد.

جمع‌بندی

تا اینجا ما در رد بر مبنا و تعبیر متأخرین چند مطلب بیان کردیم:

الف- عمل در لغت به معنای شغل و حرفه نیامده است بلکه اعم از شغل و حرفه است. اگر جایی هم می‌گویند شغل، یکی از مصادیقش هست. عمل یعنی فعل و این فعل می‌تواند شغل و حرفه یا چیز دیگری مثل زیارت باشد. مثلاً اگر کسب و کار کسی در تهران است اما کارش این است که هفته‌ای یک روز برای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) به قم می‌آید و برمی‌گردد، عرف در مورد او می‌گوید کارش این است که هر هفته زیارت می‌رود.

2- یختلف همان کثرت سفر است در نتیجه به نظر ما نیاز به این نیست که مثل مرحوم بروجردی (قدس سره) تلاش کند تا تعبیر قدما را از «لأنه عملهم» در بیاورد.

3- اخذ تعبیر متأخرین از لحاظ اسلوب اجتهاد بسیار مؤونه دارد چون اولاً باید قرینه‌ای پیدا کنیم برای این‌که ضمیر به سفر برمی‌گردد. در ادامه قرینه دومی پیدا کنیم که مراد از عمل شغل است. در ادامه بعد از این همه تصرف و تقویت باید ببینیم آیا می‌تواند قرینه برای الذی یختلف باشد؟ در حالی‌که الذی یختلف ظهور خیلی روشنی در کثرت سفر دارد.

بلی برخی خواستند بگویند چون عمل به هُم اضافه شده پس مراد شغل است. در حالی‌که اگر عمل را به معنای مطلق الفعل بگیریم، زیارت هم فعلهم می‌شود. اشکال دیگر این است که یکی از عناوین اشتقان است در حالی‌که در اشتقان سفر وجود ندارد. اشتقان را به امین البیادر معنا کردیم یعنی کسی که می‌رود در نقطه‌ای می‌ماند و از خرمن‌ها مراقبت و محافظت می‌کند اما شغلش سفر نیست. بلکه شغل راننده، مکاری که سیر می‌کند، کری سفر است اما اشتقان امین البیادر است. البته بعداً در مورد بعضی عناوین مثل التاجر الذی یدور فی تجارته التاجر الذی یدور فی تجارته می‌گوئیم که کارش تجارت است نه سفر و شامل عنوان مختار متأخرین نیست.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] وسائل الشیعة، ج8، ص: 484.

[2] «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُكَارِي وَ الْجَمَالُ الَّذِي يَخْتَلِفُ وَ لَيْسَ لَهُ مَقَامٌ - يُتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.» وسائل الشیعة، ج8، ص: 484.

[3] «وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ قَالَ: فِي الْمُكَارِي وَ الْجَمَالِ الَّذِي يَخْتَلِفُ وَ لَيْسَ لَهُ مَقَامٌ - يُتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ.» وسائل الشیعة، ج8، ص: 487.

[4] مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) دو سه سال به رحلت‌شان نظر شریف امام و متأخرین را داشتند که می‌گفتند اگر کسی سفر شغل او بود مثل راننده، نمازش تمام است ولی اگر کسی سفر مقدمه‌ی شغلش است مثلاً کسی می‌خواهد از قم به تهران برود تا تدریس کند، این شغلش تدریس است ولی سفر مقدمه برای او است می‌گفتند بین این‌ها از جهت حکم فرق است.

با ایشان همان موقع (حدود 15 الی 16 سال پیش) در جلسه استفتاء صحبت کردیم و به ایشان عرض کردیم به چه دلیل کلمه عمل را به شغل معنا می‌کنید؟ در عرف امروز ما ممکن است به عمل، شغل بگویند ولی عمل در لغت یعنی فعل و همین سبب شد ایشان تأمل کردند و با این‌که شاید در تمام مدت افتاء، پنج مورد نبود که ایشان از نظرش برگردد ولی از فتوایشان برگشتند. ایشان خیلی در مباحث‌شان غور می‌کرد و اگر نظرش ثابت می‌ماند و از فتوا عدول نمی‌کردند.

[5] بقره، 164.

[6] بقره، 185.